

تجلی همزمان حضور و غیبت

سوری احمدلو



کتاب گورستان. نوشته نیل کیمن. تصویرگر: کریس لیدر. ترجمه فرزاد فرید. تهران: کتاب پنجره، ۱۳۸۸. ۳۰۸ ص. ۷۰۰۰۰ ریال.

کتاب گورستان رمانی تأمل برانگیز و برنده مدال نیوبری سال ۲۰۰۹ است که به قلم مترجم برتر سال ۱۳۸۶ و برنده جایزه ادبیات علمی و تخیلی، به فارسی برگردانده شده است. شخصیت اصلی رمان، پسر بچه هجده ماهه یک خانواده چهار نفره است که از کشتار شخص یا اشخاصی ناشناس، جان سالم به در می‌برد.

انتخاب یک کودک هجده ماهه به عنوان شخصیت اصلی داستان را نمی‌توان اتفاقی و بی‌هدف دانست. طبق دیدگاه لاکانی، بدل شدن به انسان متمدن و بالغ، ضمن از دست دادن حس یکی‌بودگی با مادر در این سن صورت می‌گیرد؛ درست زمانی که کودک تنها ایژه مرتفع‌کننده نیاز را می‌شناسد. در واقع در این سن، کودک انباشتی از نیاز است و درکی از شخص کامل ندارد. در صحنه آغازین رمان به کودک گرسنه موز می‌دهند: «پسرک موز را تمام کرده بود. باقی موز را که نخورده بود به خودش مالید. با آن حالت نامرتب و لپ‌های گل انداخته خندید.»

اهالی گورستان پسر بچه را «نوبادی» به معنی هیچ‌کس می‌نامند. «نوبادی دیگر چه جور اسمی است؟ اسم خوبی که کمکش می‌کند در امان بماند». این اشاره، به هستی پنهان هیچ‌کس نظر دارد. در این رمان، کودک به خاطر در امان ماندن از آلودگی‌های دنیای زندگان، مجبور به زندگی در میان مردگان می‌شود و در نتیجه به دنیای بی‌رنگی‌ها و همدلی‌ها نزدیک می‌شود. حضور و غیبت دو نقطه متضاد است که نشان می‌دهد تا وقتی حضور نداری، در مرکز هیچ تهدیدی نیستی. هستی؛ ولی نمی‌توانی به یاد بیاوری کجاها و چه وقت‌هایی زندگی را لمس کرده‌ای.

کتاب گورستان، نگاهی متفاوتی‌وار به زندگی دارد و مرگ را در هسته اصلی زندگی تصویر می‌کند. نوبادی طبق تصمیم شورایی در گورستان و با حضور مردگان چندصد ساله، تحت سرپرستی زوجی به نام اوونز قرار می‌گیرد که در زمان حیات، شانس بچه‌دار شدن نداشته‌اند. تنها یکی از شخصیت‌های گورستان به نام سالیس امکان سرزدن به دنیای زنده‌ها را دارد؛ شاید نمادی از یک خون‌آشام که وظیفه تهیه غذا و مایحتاج نوبادی را به عهده گرفته است. دیگر ساکنان گورستان — که از این امکان بی‌بهره‌اند — به فراخور تجربه و

دانشی که از گذشته دارند، چیزی به نوبادی می‌آموزند. نوبادی با حامی‌اش (سالیس) انس می‌گیرد و در واقع بیش از آن که پدر و مادر قراردادی او را در طول قصه ببینیم، سالیس است که نوبادی را از حمایت معنوی خود بهره‌مند می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم رمان، ارائه تصویری تازه از زندگی‌های تمام‌شده است و در نهایت هرکس با آخرین هویت کسوتی و آیینی‌اش در خاطره گورستان باقی می‌ماند.

در صحنه پایانی رمان، نوبادی در تالاری که اسلیر در آن از گنج حفاظت می‌کند، با جک، همان قاتل مرموزی که سال‌ها پیش اعضای خانواده‌اش را کشته، برخورد می‌کند. جک خنجر سنگی داخل مقبره را برمی‌دارد و خود را صاحب آن می‌داند، اما نوبادی یا همان هیچ‌کس نمی‌خواهد صاحب هیچ گنجی باشد. در واقع با کتمان حضور خود و عدم تمایل به تصاحب شیء گران‌قیمت، خود را از بلعیده شدن در امان می‌دارد.

و نکته پایانی، اشاره به ترجمه موفق رمان است که با زبانی روان و قوی، به‌خصوص در توصیف اتفاق‌ها و صحنه‌های هیجان‌انگیز و پرتنش، موفق به انتقال حس و حال و هوای متن اصلی شده است.